

خبر



پیش‌بینی‌ها حاکیست سرانجام این نظم جهانی که در آن دلار- ارز غالب جهانی است به پایان خود نزدیک شده است

دیپلماسی تجاری چین در عصر جهانی شدن

گزارش

محمدجواد فدائی

تحلیلگر مسائل اقتصادی

در حال حاضر رشد سریع بزرگ‌ترین کشور در حال توسعه جهان، یعنی چین، یکی از موضوعات با اهمیت اقتصادی و سیاسی محسوب می‌شود. نرخ بالای توسعه اقتصادی چین براساس یک مدل توسعه طراحی شده است که شامل ترکیبی از نوسازی سازمان‌های اقتصادی و تنظیم مقررات دولتی با نئولیبرالیزه شدن تدریجی و کنترل شده است که در اجرای آن شرکت‌های بین‌المللی خارجی نقش اصلی را ایفا می‌کنند. چین در نتیجه اجرای یک مدل موفق و تکیه بر سرمایه‌گذاری، توانست مسیر دستیابی به مبتنی بر ترکیب‌کردن نقش‌های عمومی و خصوصی و تکیه بر سرمایه‌گذاری، توانست مسیر دستیابی به رشد از طریق ادغام اقتصادی در بازار جهانی را توسعه بخشد و محقق سازد. دولت از سیاست‌های مربوط به صادرات صنعتی، از جمله اصلاحات مالیاتی، کاهش ارزش پول و واردات بدون تعرفه حمایت کرد و همین مسأله منجر به افزایش بهره‌وری، به خصوص در مناطق صادراتی استان‌های جنوبی که می‌توانستند سرمایه‌گذاری‌های هنگ‌کنگ و تایوان را جذب کنند کردید. البته چنین موقعیتی از حیث پیشرفت اقتصادی، زمینه‌های موردنیاز برای تبدیل شدن به قدرت سیاسی را بیشتر می‌کند و امکان تأثیرگذاری بر سایر کشورها و همچنین روابط بین‌الملل در سطح منطقه‌ای و جهانی را فراهم می‌نماید.

نظم جهانی در حال ایفای نقش خود است؛ اما قواعد آن دیگر از سوی نویسندگان تاریخی این نظم دیکته نمی‌شود. رقابت جدید این بازی بزرگ و مهم، قواعد خود را تعیین می‌کند و این نوشتار به دنبال ارتباط دادن زوایای این قواعد برای ارائه روایتی از آن چیزی که در حال تحول و توسعه است، می‌باشد. زوایای به هم گره‌خورده این قواعد، به شرح ذیل است:

عزویت چین در سازمان جهانی تجارت در سال ۲۰۰۱.

برنامه توسعه مناطق غربی کشور در سال ۲۰۰۲.

شروع جهانی سازی یوان (واحد پول چین) در سال ۲۰۰۹.

کشایش بازار پول یوان در هنگ‌کنگ در سال ۲۰۱۰.

شروع به معامله با یوان در سطح جهانی توسط شرکت‌های چینی در سال ۲۰۱۲.

در سال ۲۰۱۳، داووستد یوان به هشت درصد از کل معاملات پولی در جهان رسید. دراین رابطه، دراین سال، بیش از ۲۷۰ میلیارد یوان به شکل اوراق بهادار چینی انتشارنیافته است (اوراق دیم سان) که علاوه براین، سیزده‌گذاری بانکی در هنگ‌کنگ به شکل یوان بیش از ۱۰۰ میلیارد یوان است. روند تحولات به‌اندازه کافی روشن است؛ در سال ۲۰۱۵، آغاز به سروسامان دادن و هماهنگ‌سازی مؤسسات مالی متعلق به سازمان همکاری شانگهای، درهمین سال، به‌طور تخمینی، یکی سوم از کل تجارت چین با یوان صورت می‌گیرد. یوان پس از یورو و دلار، سومین پول قدرتمند جهانی است. در سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸، یوان تبدیل به پول کاملاً قابل‌تبدیل به سایر ارزها شد و شانگهای نیز به‌طور کاملاً واضح تبدیل به مرکز مالی جهانی قراردهد. پذیرش یوان به‌عنوان ارز اس.دی.آز در صندوق بین‌المللی پول و حق رأی چین، مشارکت جامع اقتصاد منطقه‌ای (تعبیری از راهبرد اوراسیا و جهانی شدن تحت قالب طرح یک کمربند یک جاده)، قابلیت تبدیل کامل یوان و نهایتاً رونق قابل‌توجه بورس طلای شانگهای.

هدف غایی سیاست اقتصادی چین، کاملاً مشهود است. این هدف به‌دنبال غلبه برسازار پولی مبتنی برنفت- دلار کنونی نیست؛ بلکه به‌دنبال موقعیتی بانفوذ در نظم پولی اتی جهانی است. تمام کوشش‌های شرح داده شده، سیاست‌های آگاهانه به‌منظور آماده‌سازی به سمت مرحله بعدی جهانی شدن اقتصاد است. اگر چین در مسیر درست همراه با تمرکز بر هدف عادلانه‌سازی اقتصاد جهانی گام بردارد، ضرورت ندارد که از نظم جدیدی که چین به دنبال آن است بهراسیم.

نوع تفسیر رقابت‌گونه آمریکا از سیاست‌های مالی چین و نحوه ارزش‌گذاری پول دراین کشور، در تنش‌های چندبعدی مداوم آنرز در آفریقا و معارضه سراسرت و بی‌شک آمریکا با مشارکت چین در نهادهای چین و یوزد قابل مشاهده است. مانند همیشه، چین به یک راهبر بلندمدت متعهد است؛ راهبردی که این کشور را به موفقیت‌های مهم در سال‌های گذشته ناائل کرد. اهمیت این راهبر به‌اندازه کمی در فراسوی فعالیت‌های مالی قابل‌درک است. آنچه اهمیت دارد، این است که بسیاری از موفقیت‌های چین در چارچوب راهبر جهانی سازی این کشور بسیار بیشتر ازآنچه قابل‌درک است، درهمت‌بده است. برنامه‌ریزی راهبردی چین، از این نظر، به حد اعلاّی خود رسید که این کشور ابتکار یک کمربند یک راه را که شامل جاده و کمربند زمینی ابریشم و مسیر دریایی ابریشم می‌شود، به‌منصه ظهور رساند. این ابتکار به‌طور مستحکم رهیافت مفهومی چین را یکپارچه می‌سازد و در ضمن به‌طور همزمان، همسو کردن تمامی ابعاد اقتصاد داخلی این کشور را پی‌ریزی می‌کند.



تمرکز

داریم که در کوتاه‌مدت بتوانیم در قالب مثلث ایران، چین و روسیه، تراز تجاری کشورمان را مثبت کنیم

۲۰

میلیارد دلار

برآورد مرکز

مطالعات

ریاست

جمهوری این

است که اگر

مسیرهای

ترانزیتی فعال

شود، سالانه

۲۰

میلیارد دلار

درآمد خالص

داشت



رئیس سازمان توسعه تجارت ایران در گفت‌وگو با «ایران» از محورهای مذاکره

رئیس جمهور ایران و چین خبرداد

بازسازی و نوسازی صنایع ایران توسط چینی‌ها

- سفر چند هفته‌ای رئیس جمهور چین به عربستان، هیچ خللی در روابط ایران و چین ایجاد نکرد
- صادرات ایران در سال جاری به کشور عمان ۱۰۳ درصد، به کشورهای حوزه اوراسیا ۳۶ درصد و به آفریقا و جنوب‌شرق آسیا ۱۰۰ درصد رشد داشته است

در حالی که برخی‌ها به‌دنبال آن هستند که به تجارت و همکاری‌های اقتصادی ایران و چین ضربه بزنند و شرایطی را فراهم کنند که دولت و بخش خصوصی دو کشور، سطح همکاری‌های اقتصادی خود را کم‌رنگ کنند، روابط دو کشور وارد فاز و ایجاد جدیدی می‌شود چرا که قرار است در سفر رئیس جمهور کشورمان به چین مذاکرات صورت گرفته طی ماه‌های اخیر، عملیاتی شود. در این سفر موضوعات مربوط به سرمایه‌گذاری مشترک، نوسازی ماشین‌آلات صنعتی، توسعه شقوق حمل‌ونقل و توسعه لجستیک کشور به سرانجام می‌رسد و بخش خصوصی ایران و چین بی‌توجه به فضاسازی‌های رسانه‌ای با قدرت بیشتری در کنار هم قرار می‌گیرند علیرضا پیمان پاک، رئیس سازمان توسعه تجارت ایران در این خصوص گفت‌وگویی انجام داده است که در ادامه از نظرتان می‌گذرد.

● تحلیل‌شماز روابط اقتصادی

تجاری ایران و چین چیست‌ایا

مختل‌گور، نوانسته‌اند همکاری‌های

اقتصادی خود را توسعه دهند؟

همه براین امر اذعان دارند که اقتصاد چین، یک اقتصاد شناخته شده است، حال این اقتصاد برای ایران دو ویژگی مهم دارد؛ یک اینکه چین نشان داد که با وجود تحریم‌های مغرضانه علیه ایران، همچنان سطح تعامل خود را با جمهوری اسلامی ایران حفظ کرده است و تبعیت از سیاست‌های امریکا ندارد. دوم اینکه تجار، فعالان اقتصادی و بخش خصوصی دو کشور همدیگر را پذیرفته‌اند و به شناخت نسبی در همکاری‌های اقتصادی و تجاری رسیدند. ما با خیلی از کشورها روابط تجاری دیرینه داریم اما هیچ کدام از کشورها مانند چین سطح روابط تجاری بخش خصوصی باز نشده است. از طرفی چین با توانمندی و بازارهای ما شتابانی دارد و تجار ایران هم به خوبی بازار چین را می‌شناسند. براین اساس ارتباط در کسب و کارهای تجاری بین ایران و چین به خوبی شکل گرفته است. در مقطع فعلی و با وجود ارائه تسهیلات، برای فعالان اقتصادی جانپفاده که مواد اولیه تولید از کشورهای عضو اوراسیا حتی سایر کشورها تأمین کنند. تجار ایران، در این زمینه و مقررات سایر کشورها و بخصوص موضوعات مربوط به استانداردها آنها اشراف ندارند، این در حالی است که چین به‌دنبال تسهیل تجار و توسعه روابط است لذا همین امر کمک کرده که بازار چین برای فعالان حوزه‌های صنعت، تجارت و معدن جذاب باشد. علاوه بر این بخش قابل توجهی از واردات ما در حوزه ماشین‌آلات، تجهیزات، مواد اولیه و... از چین است و در این میان چین بسیاری از مواد اولیه تولید خود را از ایران تأمین می‌کند، البته تأکید بر این است که از خام‌فروشی جلوگیری شود

۶۰ تا ۷۰ درصد صادرات محصولات صنعتی ما نیمه‌خام است، از همین رو باید تلاش کرد که کالا با ارزش افزوده صادر شود. بازار چین، بازاری است که بخش خصوصی و دولت توجه ویژه به آن دارد. اقتصاد چین یک اقتصاد ۶ هزار میلیارد دلاری است و سهم ایران در بهترین حالت ۳۰ میلیارد دلار است و لذا این عدد بسیار ناچیز است. این در شرایطی است که در فضای مجازی و رسانه‌ای اینگونه اطلاع‌رسانی

چین می‌توان به آن پرداخت، ترانزیت است. پیوستن به کریدورهای جهانی توسط وزارت راه و شهرسازی به‌صورت ویژه مورد توجه قرار گرفته است؛ سال‌های سال به ظرفیت کریدورهای بین‌المللی شمال-جنوب، شرق-غرب و... بی‌توجه بودیم. اکثر کریدورها از مسیرهایی رفته که ایران را دور زده است. لذا دولت سیزدهم به دنبال آن است که کریدورها را فعال کند. برای فعال‌سازی کریدورها به دیپلماسی نیاز داریم که خوشبختانه دولت (وزارت راه و شهرسازی و وزارت امور خارجه) در این خصوص با همکاری فروگدار نیست و حتی آمارها هم نشان می‌دهد که در حوزه ترانزیت باوجود فشارهای خاک‌فروشی و... است. آن میزان که ما هزینه سیاسی در رابطه با چین می‌دهیم، استفاده اقتصادی نمی‌کنیم. بنابراین باید ریشه‌یابی کنیم که مشکل در چیست؟ براین اساس باید سعی شود که مشکل‌ها با توجه به قرابت فرهنگی، سیاسی، صنعتی و... حذف شود. اگر رشد چند درصدی در ارتباط تجاری با چین داشته باشیم این امر بر رشد ۱۰ و حتی ۱۵۰ درصدی با خیلی کشورها برابری و حتی غلبه می‌کند. بنابراین می‌توان از فرصت‌ها به نفع اقتصاد کشور استفاده کرد. ضرورت دارد که برخی از چالش‌ها با چین پیگیری شود و حل شود که یکی از آنها بحث تأمین مالی است. اگر این مشکل حل شود سطح همکاری‌ها با چین افزایش خواهد یافت چرا که این کشور برای تأمین مواد اولیه به ایران نیاز دارد.

موضوع دوم استفاده از ظرفیت چین برای افزایش راندمان تولید است، هزینه حمل‌ونقل افزایش یافته است لذا استفاده از جایگاه ایران برای تولید و تأمین کالا در منطقه می‌تواند یک فرصت تلقی شود. یعنی چین در ایران کارخانه مشترک ایجاد کند تا بتوانیم همکاری هم صادرات به کشورهای منطقه داشته باشیم. براین اساس تجارت آزاد ایران با کشورهای اوراسیا یکی از موضوعاتی است که برای چین جذاب است؛ چین می‌تواند در این خصوص با ایران همکاری داشته باشد و بواسطه این اتفاق و همکاری دوجانبه صادرات به کشورهای عضو اوراسیا داشته باشیم. موضوع دیگر که اهمیت مضاعفی دارد و در سفر رئیس جمهور به چین مورد بررسی قرار خواهد گرفت، بازسازی و نوسازی صنایع کشور است. ده‌ها سال است که از عمر ماشین‌آلات واحدهای صنعتی گذشته است لذا با همکاری چین می‌توان به سمت نوسازی صنایع حرکت کرد. از آنجا که نهضت نوسازی و بازسازی ماشین‌آلات توسط دولت سیزدهم کلید خورده است، حداقل ۲۰ تا ۲۰ درصد به راندمان تولید اضافه می‌شود از همین رو برای اثربخشی بهتر و به دست آوردن نتیجه بهتر می‌توان نوسازی ماشین‌آلات را با چین دنبال کرد. این مهم دو ویژگی هم خواهد داشت که اولین آن انتقال تکنولوژی و دیگری کاهش هزینه تولید و موضوع دیگری که در ارتباط با

✂️

برش

سازمان توسعه تجارت در دولت سیزدهم نتهتا در بحث توسعه بازار و فعالسازی دیپلماسی اقتصادی بلکه در بخش‌هایی که جزو الزامات توسعه صادرات بوده، مانند مسائل مربوط به لجستیک، مسائل مربوط به امور گمرکی، موافقتنامه‌ها و توافق‌های منطقه‌ای مانند پیمان‌های اوراسیا و شانگهای، بحث فعالسازی تجارت آزاد و تعرفه‌های ترجیحی با کشورهای همسایه، مسائل مربوط به همسان‌سازی و هماهنگی استانداردها و پروتکل‌های مرتبط با دامپزشکی اقدامات خوبی انجام داده است. از دیگر اقدامات انجام شده در این زمینه می‌توان به ایجاد خطوط منظم دریایی با کشورها و نقاط هدف کمتر توجه شد مانند آفریقا و جنوب شرق آسیا، فعالسازی ظرفیت‌های ایران در حوزه خزر و همین‌طور فعالسازی ظرفیت‌ها در حوزه‌های بانکی مثل پیمان‌های پولی دو جانبه ایران با روسیه و چین اشاره کرد.



حرف‌های غیرمنتظرانه منتقدان

اگر ایران با کشور در تقابل است یا ارتباط کمتری دارد، دلیل بر آن نمی‌شود که شریک اقتصادی ایران با آن کشور وارد مذاکره نشود. آن هم کشوری که می‌خواهد حرف اول را در اقتصاد بزند

چین صورت گرفته است و بزودی سطح همکاری‌ها وسیع‌تر خواهد شد. در سفر رئیس جمهور بخشی از مذاکرات که مدت‌ها روی آن بحث و بررسی صورت گرفته، تبدیل به قرارداد می‌شود و بخشی دیگر هم مورد تهاقم قرار می‌گیرد.

● گفته می‌شود وقتی رئیس جمهور چین به عربستان رفت، استراتژی این کشور با ایران تغییر کرد. چقدر این موضوع صحت دارد یا قابل‌پذیرش است؟

رئیس جمهور چین سفری به یکی از کشورهای حوزه خلیج فارس (عربستان) داشت، برخی این موضوع را اینگونه تعبیر کردند که روابط ایران و چین تحت‌الشعاع قرار گرفته و چین می‌خواهد ایران را کنار بگذارد. اما به هیچ عنوان چنین مطلبی و تفسیری درست نیست. کشوری با اقتصاد ۶ هزار میلیارد دلاری طبیعتاً سعی می‌کند اقتصاد خودش را با تمام کشورها توسعه دهد، لذا تعبیر یاد شده در حوزه تجارت و صنعت بسیار ناشایه است. فعالان اقتصادی و آتهایی که در حوزه تجارت فعال هستند می‌دانند که تمام کشورها براساس منافع اقتصادی خود مذاکره می‌کنند و همه کشورها به‌دنبال کسب منفعت هستند. ایران به‌دنبال کسب منفعت اقتصادی و اقتصادی و آتهایی که در حوزه تجارت قابل است یا ارتباط کمتری دارد، دلیل بر آن نمی‌شود که شریک اقتصادی ایران بی‌آن همکاری وارد مذاکره نشود. آن هم کشوری که می‌خواهد حرف اول را در اقتصاد بزند. لذا سفر رئیس جمهور چین به عربستان هیچ چالشی برای ایران ایجاد نکرد و نخواهد کرد و تمام حرف و حدیثا نشأت گرفته از فضاسازی رسانه‌ای است. در ۱۰ ماهه سال جاری در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته رشد ۱۰ درصدی صادرات به چین داشته‌ایم و این نشان می‌دهد که روابط دو کشور تحت تأثیر برخی از جوسازی‌های رسانه‌ای و سیاسی قرار نگرفته است. این عدد به منزله آن است که ۲ میلیارد دلار حجم صادرات ایران به چین بیشتر شده است، در این میان در مدت یاد شده ۳۰ درصد هم رشد واردات در بخش تجهیزات، مواد اولیه و ماشین‌آلات داشته‌ایم. البته ایران به‌صورت محدود کالای نهایی از چین وارد می‌کند و حجم قابل توجهی از واردات مربوط به مواد اولیه تولید است. این مهم نشان می‌دهد که ما با وجود تمام جوسازی‌ها و تخریب‌ها، رشد تجارت با چین داشته‌ایم. اگر قرار بود تجارت ایران و چین تحت تأثیر مذاکره چین و عربستان قرار گیرد، قطعاً حجم صادرات و واردات ایران به چین کاهش می‌شد. حتی دیدیم که معاون نخست‌وزیر چین سفری به ایران داشت و در آن سفر کارگرهای تخصصی برای توسعه روابط ایجاد شد. اگر کشوری بخواهد تعامل خود را با کشوری کم کند بی‌آن تعامل صوری باشد، طبیعتاً مقام‌های سیاسی با هم دیدار نمی‌کردند، اما دیدیم که جلسات تخصصی برگزار شد و گروه‌های فنی معاون نخست‌وزیر چین را همراهی می‌کردند، حتی در مورد برگزاری نمایشگاه‌ها در طرف مذاکراتی با کشورهای مختلف در قالب صرافی و سایر موارد وجود دارد که از سوی بخش خصوصی انجام می‌شود. یک بخش هم وجوهی است که ما از برخی بانک‌های دولتی چین می‌گیریم که وزارت امور خارجه و بانک مرکزی در این خصوص همکاری خوبی داشتند و از این وجوه در قالب تأمین مواد اولیه عمومی مورد نیاز کشور استفاده می‌شود. چین پذیرفته است از منابع یادشده بتوانیم برای خرید مواد اولیه تولید که به تحریم‌ها هیچ ارتباطی ندارد (دارو، تجهیزات، ورق، لوازم خانگی، تلفن همراه و...) از سایر کشورها بهره ببریم و مذاکرات در این خصوص در حال انجام است. سعی داریم در کوتاه‌مدت در قالب مثلث ایران، چین و روسیه، تراز تجاری کشورمان را مثبت کنیم. با این شرایط صادرات ایران به روسیه در کنار وارداتی که اکثر آن‌ها به‌دنبال مواد نیاز از آن فعالان اقتصادی با شرایط بانکی می‌توانند همکاری‌های مشترک را دنبال کنند. در حوزه امریکای لاتین، کشورهای آفریقایی، اوراسیا، عمان، قطر، عراق، و... صادرات‌مان یک میلیارد دلار است. مالی پیگیری شده است. خوشبختانه دولت سیزدهم در بخش لجستیک به توانسته و دستاوردهای خوبی رسیده و توانسته است شقوق حمل‌ونقل را فعال کند. در حوزه تأمین مالی بخصوص جابه‌جایی پول، غرب به فعالیت‌های اقتصادی ایران چنبره زده است تا شرایط بانکی را وسیع‌تر کند اما کشورهایی که خواهان همکاری با ایران هستند، سیستم‌های مالی دیگری را توسعه می‌کنند که از جمله آن ایجاد سیستم‌های صرافی است. متأسفانه دولت‌های گذشته فقط به حوزه نفت و گاز و فعالیت‌های دولتی توجه می‌کردند و شبکه‌های پوشش مالی تنها برای این دو بخش بود اما در دولت سیزدهم این رویه تغییر کرد چراکه معتمدیم صادرات غیرنفتی و بخش خصوصی باید مورد حمایت ویژه

🗨️

ما باید سعی کنیم از فضا

و فرصت‌های فراهم شده

بهرترین استفاده را ببریم و

اگر غیر از این باشد و تحت

تأثیر فضاسازی رسانه‌ای

قرار بگیریم عملاً در تجارت

و توسعه اقتصادی کشور

مشکل ایجاد کردیم. مهم

این است که از کدام بازار

می‌توان درآمد پایدار داشت

قرار گیرد. در حال حاضر موضوع کوتاه‌ارز صادراتی با همکاری بانک مرکزی و با هدف رفع تعهدات ارزی صادرکنندگان دنبال می‌شود که در این خصوص برای رفع مشکل تعهدات ارزی، صرافی‌هایی در کشورهای مقصد معرفی می‌شوند. سالانه ۲ میلیون دلار تهاثر ارزی انجام می‌شود و اکنون هیچ نرخ‌گذاری در برگشت ارز مطرح نیست و آمادگی همکاری لازم برای انجام تهاثر وجود دارد. سال ۱۴۰۰ رشد صادرات کشور به میزان ۴۰ درصد بوده است، در سال جاری با حذف صادرات گاز طبیعی ۱۵ درصد رشد صادرات به کشورهای مختلف را داشته‌ایم که بیشتر در حوزه صنعت بوده است. صادرات ایران در سال جاری به کشور عمان ۱۰۳ درصد، به کشورهای حوزه اوراسیا ۳۶ درصد و به آفریقا و جنوب‌شرق آسیا ۱۰۰ درصد رشد داشته است اما در حوزه کشاورزی با وجود همه پیشرفت‌ها، ۱۹ درصد کاهش صادرات را به دلیل بردننگ و تعهدات ارزی شاهد بوده‌ایم. سازمان توسعه تجارت ۱۰ میلیون دلار اعتبار برای خرید تجهیزات از اتحادیه اروپا و تجارت بین‌الملل دریافت کرده است، از این رو تمام صادرکنندگان غیر از صنایع بالادستی، پتروشیمی، ایمیدرو و شرکت‌های فلزی و... می‌توانند معادل صادرات، واردات داشته باشند و هر میزان که بخواهند می‌توانند واردات انجام دهند زیرا بخشنامه واردات برابر صادرات در دولت سیزدهم برای تمامی صادرکنندگان که در دولت قبل به تصویب مجلس رسیده بود، ابلاغ شده است. در آن برهه (دولت‌های گذشته) شبکه‌های پوشش مالی و صرافی تنها در خدمت واحدهای دولتی بود. با آنکه بخش قابل توجهی از خدمات و حمایت‌های معنوی در اختیار شرکت‌های دولتی بود، از بخش خصوصی خواسته شده بود از حاصل صادرات را ۴ ماهه برگرداند، بخش خصوصی هم در جواب عنوان می‌کرد هیچ کمکی به ما نمی‌شود فلذا چرا باید در برگشت ارز تکلیف‌هایی گذاشته شود که بعضاً غیرممکن است. این در حالی است که از زمانی که فعالیت سازمان توسعه تجارت در دولت سیزدهم آغاز شد، اعلام کردیم تمام سیستم‌های مالی و صرافی باید به کمک بخش خصوصی بیاید و در بسیاری از کشورها حمایت‌ها را شروع کردیم. این کمک‌ها از طریق اتاق‌های مشترک، مراکز تجاری، رایزن‌های بازرگانی و... پیگیری شد. در راستای حمایت از تجار، سیستم پیام‌رسان ایران و روسیه با موفقیت به هم متصل شد. این امر دو ویژگی دارد که اولین آن نقل‌وانتقال ارز و دوم کشایش اس‌سی است. یکی از مهم‌ترین موضوعات در تعاملات جهانی این است که خرید و فروش اعتباری انجام گیرد و این امر منجر به کاهش هزینه‌ها می‌شود؛ وقتی سیستم اس‌سی برقرار نباشد شما نمی‌توانید از این ظرفیت استفاده کنید. اتصال پیام‌رسان دو کشور این مسأله را حل می‌کند. بانک مرکزی نیز در خصوص کشایش اس‌سی و همکاری با فعالان اقتصادی سطح همکاری‌های خود را افزایش داده است. در حال حاضر مراودات مالی با کشورهای مختلف در قالب صرافی و سایر موارد وجود دارد که از سوی بخش خصوصی انجام می‌شود. یک بخش هم وجوهی است که ما از برخی بانک‌های دولتی چین می‌گیریم که وزارت امور خارجه و بانک مرکزی در این خصوص همکاری خوبی داشتند و از این وجوه در قالب تأمین مواد اولیه عمومی مورد نیاز کشور استفاده می‌شود. چین پذیرفته است از منابع یادشده بتوانیم برای خرید مواد اولیه تولید که به تحریم‌ها هیچ ارتباطی ندارد (دارو، تجهیزات، ورق، لوازم خانگی، تلفن همراه و...) از سایر کشورها بهره ببریم و مذاکرات در این خصوص در حال انجام است. سعی داریم در کوتاه‌مدت در قالب مثلث ایران، چین و روسیه، تراز تجاری کشورمان را مثبت کنیم. با این شرایط صادرات ایران به روسیه در کنار وارداتی که اکثر آن‌ها به‌دنبال مواد نیاز از آن فعالان اقتصادی با شرایط بانکی می‌توانند همکاری‌های مشترک را دنبال کنند. در حوزه امریکای لاتین، کشورهای آفریقایی، اوراسیا، عمان، قطر، عراق، و... صادرات‌مان یک میلیارد دلار است. مالی پیگیری شده است. خوشبختانه دولت سیزدهم در بخش لجستیک به توانسته و دستاوردهای خوبی رسیده و توانسته است شقوق حمل‌ونقل را فعال کند. در حوزه تأمین مالی بخصوص جابه‌جایی پول، غرب به فعالیت‌های اقتصادی ایران چنبره زده است تا شرایط بانکی را وسیع‌تر کند اما کشورهایی که خواهان همکاری با ایران هستند، سیستم‌های مالی دیگری را توسعه می‌کنند که از جمله آن ایجاد سیستم‌های صرافی است. متأسفانه دولت‌های گذشته فقط به حوزه نفت و گاز و فعالیت‌های دولتی توجه می‌کردند و شبکه‌های پوشش مالی تنها برای این دو بخش بود اما در دولت سیزدهم این رویه تغییر کرد چراکه معتمدیم صادرات غیرنفتی و بخش خصوصی باید مورد حمایت ویژه

+

۱۰٪

رشد صادرات

در ۱۰ ماهه سال جاری در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته رشد ۱۰ درصدی صادرات به چین داشته‌ایم و این نشان می‌دهد که روابط دو کشور تحت تأثیر برخی از جوسازی‌های رسانه‌ای و سیاسی قرار نگرفته است

